



فردین آفابزرگی

کارشناس بازار سرمایه

در هفته‌های پایانی امسال شاهد روند رو به رشد بازار سرمایه بوده ایم؛ هر چند این روند صعودی در هفته چهارم اسفند در مسیر اصلاح قرار گرفت. با این وجود می‌توان این طور ادعا کرد که بازدهی کلی بازار در پایان سال مثبت بود. صعود شاخص کل از بهبود متغیرهای کلان اقتصادی همچون نرخ تورم، حجم نقدینگی، نرخ رشد حجم نقدینگی، انتشار خبر بهبود تعاملات میان ایران و عربستان و همچنین اختلاف قابل توجه میان بازدهی بورس با سایر بازارهای موازی در ماه‌های گذشته نشأت می‌گیرد. اقتصاد ما در سال‌های گذشته با تورم بی‌سابقه‌ای روبه‌رو بوده است. در برخی کشورها همچون آرژانتین و ترکیه، برای یک دوره زمانی تورم به محرکی برای رشد بورس بدل شد و در حال حاضر نیز این تورم و انتظار برای تداوم مسیر صعودی آن به محرک اصلی رشد بازار سرمایه ما تبدیل شده است. بدون تردید بهبود تعاملات جهانی ایران تاثیر مثبت بسزایی بر عملکرد بسیاری از صنایع بورسی کشور دارد. البته بهبود این تعاملات در روزهای نخست به کاهش ارزش دلار و افت شاخص کل منتهی می‌شود، اما این روند یزشی شاخص ادامه‌دار نخواهد بود؛ چرا که فشارهای عملکرد صنایع ریالی و به دنبال آن حتی صنایع صادراتی باز خواهد شد. با وجود تمام نقاط قوتی که برای بهبود عملکرد بورس تهران مطرح شد، باید تاکید کرد همچنان ناملایماتی در مسیر فعالیت اقتصاد و بازار سرمایه مشاهده می‌شود. این جمله‌ها ناملایمات می‌توان به برخی سیاست‌گذاری‌های کارشناسی نشده اشاره کرد. انتشار اوراق قرضه با هدف تأمین بخشی از کسری بودجه دولت سیاستی است که در ۲ سال اخیر اجرائی شده و لطماتی را به بازار بورس تهران تحمیل کرده است. افزایش نرخ سود بانکی نیز دیگر اقدامی است که انتظار می‌رفت مانع بهبود شرایط بازار سرمایه شود؛ بنابراین می‌توان این طور ادعا کرد که سیاست‌گذاری دولت همچنان روند آتی بورس با بازدهی آن را تعیین می‌کند. با وجود تمام شاخص‌های منفی یادشده که بر عملکرد بازار سرمایه اثر گذار هستند، بازار سرمایه با سایر بازارهای موازی اثر گذار عقب‌مانده بود و این صعود الزامی به نظر می‌رسید. اگر سایر بازارهایی که از جذابیت سرمایه‌گذاری برخوردارند همچون مسکن، خودرو، طلا، دلار، لوازم خانگی، سایر کالاها و بادوام و... به نقطه اشباع سرمایه‌گذاری برسد، طبیعتاً شاهد جابه‌جایی در فرآیند سرمایه‌گذاری خواهیم بود که بهترین محل برای جذب این سرمایه نیز بازار سرمایه است. البته همچنان سایه‌ای از بی‌اعتمادی بر عملکرد بازار سرمایه وجود دارد. در چنین شرایطی هرگاه شاخص به مسیر صعود بازمی‌گردد، ترس از ریزش دوباره نیز میان فعالان کم‌تجربه زنده می‌شود. با این وجود شرایط کنونی با عملکرد بازار در سال ۱۳۹۹، قابلیت مقایسه ندارد. سطح P/E شرکت‌های بورسی در سال ۱۳۹۹ تا آستانه ۳۸ درصد افزایش پیدا کرده بود، این در حالی است که نسبت P/E شرکت‌ها در حال حاضر حدود ۶ تا ۶.۵ درصد برآورد می‌شود. تفاوت میان ارزش ذاتی و ارزش روز معاملات بورسی در سال ۱۳۹۹ قابل توجه بود، این در حالی است که اختلاف یادشده در حال حاضر محدود برآورد می‌شود. البته در حال حاضر نیز نمی‌توان به رشد مستمر و بدون وقفه بورس تهران امید داشت؛ به‌بیانی دیگر اصلاح جزئی از بازار قیاس با بنیاد نسبت به بروز این روند اصلاحی نگران بود. ارزش بازار ما در پیک خود ۳۱۰ میلیارد تومان برآورد شده و در حال حاضر ارزش بازار با وجود رشد قابل توجهی که در طی روزهای گذشته، کمتر از ۸۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود؛ بنابراین رشد کنونی بورس تهران با رشد آن در سال ۱۳۹۹ قابلیت قیاس ندارد و نباید واهمه‌ای از ریزش‌های سنگین در این بازار داشت.

در گزارش طحان نظیف به مردم تشریح شد؛ ابهامات شورای نگهبان به طرح ساماندهی کارکنان دستگاه‌ها چه بود؟

آرمان ملی: سخنگوی شورای نگهبان در گزارش خود به مردم ابهامات و ایرادات این شورا به طرح ساماندهی کارکنان دستگاه‌ها تشریح کرد. هادی طحان نظیف در نود و سومین گزارش از سلسله گزارش‌های خود به مردم در کانال شخصی‌اش در «بله»، درباره طرح ساماندهی کارکنان دستگاه‌ها توضیحاتی ارائه کرد که متن آن به شرح زیر است: «طرح ساماندهی کارکنان دستگاه‌های موضوع ماده ۲۹ قانون برنامه ششم توسعه»، پس از بررسی در شورای نگهبان و اجاد ابهامات و ایرادات شناخته شد. عمده اشکالات شورا در خصوص مصوبه مذکور ناظر به ابهاماتی بود که برای اظهار نظر نهایی توسط شورای نگهبان، نیاز به رفع آن‌ها از سوی مجلس است. از جمله ابهامات مذکور، مشخص نبودن مقصود تبصره مهم تشخیص داده «به کارگیری» بود؛ با این توضیح که مشخص نیست عبارت مذکور شامل استخدام‌های رسمی و پیمانی و بکارگیری مستقیم و غیرمستقیم نیروی انسانی نیز می‌شود یا خیر. همچنین عنوان «نیروهای شاعل» نیز از این جهت که شامل تمام نیروهایی که در استخدام دستگاه‌ها هستند، می‌شود یا منظور صرفاً نیروهایی است که به شکل غیرمستقیم در دستگاه مشغول هستند؛ ابهام داشت که برای رفع ابهام مورد ایراد واقع شد. حکم تبصره «۴» نیز به جهت روشن نبودن مقصود تبصره مهم تشخیص داده شد؛ توضیح آنکه مشخص نبود صرفاً کسانی که به صورت تمام‌وقت اشتغال داشته‌اند مشمول تبصره هستند یا اینکه سوابق پاره‌وقت نیز به معیار تمام وقت محاسبه می‌شود و تمام شغلان اعم از تمام وقت و پاره وقت مشمول حکم تبصره قرار دارند. به علاوه قید «مستمر» در ماده واحد عدم وجود تعریف قانونی و فقدان معیار مشخص برای آن‌ها، واجد ابهام تشخیص داده شد. در این مصوبه الزام دستگاه‌های اجرایی به انعقاد قرارداد کار معین با نیروهای شاغل خود، به داشتن حداقل دوسال سابقه بیمه‌پردازی مشروط شده است.



گفت و گوی صادق زبیاکلام با «آرمان ملی» به مناسبت سالروز ملی شدن نفت:

مصدق اهل توافق

با انگلستان نبود

عدم توافق مصدق با انگلستان باعث شد آمریکا با انگلستان علیه مصدق همراه شود

آرمان ملی - احسان اسفندی: داستان نفت در ایران داستانی است که قرائت‌های مختلف از آن صورت می‌گیرد. داستانی که برخی از مورخان از جنبه استثماری به قرارداد داریسی یعنی همان قراردادی که ایران و انگلستان با یکدیگر امضا کردند، می‌نگرند اما در برابر برخی دیگر به گونه‌ای متفاوت به قرارداد ایران و انگلستان در زمینه نفت می‌نگرند و اینگونه اعلام می‌کنند که چون ایران سرمایه‌گذاری در بخش نفت نکرده بود، در نتیجه سهمی که بر بریتانیا به تهران از استخراج نفت داده، بد نبود. صادق زبیاکلام، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل تاریخ معاصر اینگونه به ماجرای نفت در ایران می‌نگرد: «در گذشته «آرمان ملی» در سالگرد کودتای ۲۸ مرداد در این زمینه به صورت مفصل با وی به گفت‌وگو پرداخته بود. در شماره پیش‌رو با این استاد دانشگاه در ارتباط با ماجرای نفت در دوران معاصر به گفت‌وگو پرداخته‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

◀ بعد از قرارداد آخری که ایران با انگلستان در زمینه

نفت می‌بندد و قرارداد داریسی با قرارداد جدید دچار

تحولاتی به نفع ایران می‌شود، چه ماجرای جدیدی در

صنعت نفت در ایران به وجود می‌آید؟

قراردادی تحت عنوان امتیاز نفت شمال به وجود می‌آید.

خلاصه این قرارداد این بوده که استالین علاقه‌مند بود که

انگلستان در جنوب ایران نفت را برده و فقط مقداری به دولت

ایران می‌دهند لذا ما هم باید در شمال ایران امتیاز نفت داشته

باشیم. جالب اینکه در آن تاریخ هنوز نفتی کشف نشده بود اما

روس‌ها می‌خواستند در مناطق دریای خزر و گیلان و مازندران

فعالیت کنند و در صورتی که نفت کشف می‌شد، آنها بتوانند

نفت را استخراج کنند. البته احتمال اینکه نفت در این مناطق

کشف شود کم نبود چون در قفقاز نفت کشف شده بود. در نتیجه

روس‌ها تاکید داشتند که امتیاز نفت شمال به آنها داده شود.

◀ آیا به موفقیتی هم در این زمینه رسیدند؟

در مجلس چهاردهم دکتر مصدق با واگذاری امتیاز نفت شمال

مخالفت می‌کند. البته حزب توده به شدت از امتیاز نفت شمال

دفاع می‌کرده و توده‌ای‌ها اعتقاد داشتند قرارداد استخراج نفت

که با روسیه بسته می‌شود به هیچ وجه مانند قرارداد با انگلستان

نخواهد بود. چرا که قرارداد نفتی با انگلستان یکجانبه است و

بریتانیا سر ایران کلاه گذاشته و آن قرارداد با امضا خیانت بارضا

شاه تمدید شده است. اما روس‌ها با امتیاز نفت شمال در ایران

صنعت و کار ایجاد می‌کنند و امتیاز نفت شمال با امتیاز نفت به

انگلستان یا همان داریسی قابل مقایسه

نیست.

◀ چرا با وجود این دفاع

توده‌ای‌ها، مرحوم مصدق

به شدت با امتیاز نفت شمال

در مجلس چهاردهم مخالفت

می‌کرد؟

مرحوم مصدق کلاً با امتیاز نفت به

خارجی‌ها مخالف بود. وی معتقد بوده

امتیاز نفت در جنوب هم بدیده جالبی

نیست. بنابراین به جای اینکه توازن

در فروش و سرمایه‌گذاری در نفت

ایران برقرار کنیم چون به انگلستان

در جنوب ایران امتیاز نفتی داده‌ام به

روسیه هم در شمال هم امتیاز دهم

در برابر به روس‌ها به هیچ وجه امتیاز

ندهم و باید تلاش کنیم امتیاز نفت

جنوب را از انگلستان هم بگیریم.

بنابراین به جای اینکه به فکر ایجاد توازن باشیم آن امتیاز به

انگلستان را هم مورد تجدید نظر قرار دهیم. لذا در زمان مجلس

چهاردهم و در زمانی که قوام‌السلطنه، نخست‌وزیر بوده و لایحه را

به مجلس می‌برد مجلس با امتیاز نفت به روس‌ها مخالفت می‌کند

و آنها نیز اعلام می‌کنند که قوای خود را از کشور که در جنگ

جهانی دوم وارد ایران شده بودند را از ایران خارج خواهند کرد و

ماجرای پیشه‌وری به وجود می‌آید.

◀ پس از این تاریخ به بعد به نوعی با به‌های نهضت ملی

شدن نفت گذشته می‌شود؟

درست است چون وقتی که در مجلس چهاردهم با امتیاز

نفت شمال با روسیه مخالفت می‌شود، دولت توسط مجلس

مکلف می‌شود که احصای حقوق ملت ایران را از کمیانی نفت

انگلستان رادر دستور کار قرار دهد. یعنی مجلس به نوعی از دولت

می‌خواهد که در برابر آن امتیاز نفت قرار بگیرد. این مورد پایه‌های

اولیه ملی شدن نفت می‌شود.

◀ واقعا مصدق به دنبال ملی کردن صنعت نفت بود؟

شاید هم اینگونه نبود چرا که او این جریان را راه انداخت اما

ملی شدن نفت در ایران پیشنهاد دکتر حسین فاطمی بود و گویا

مرحوم مصدق با برخی حقوقدانان کشور و اساتید حقوق دانشگاه

تهران مشورت کرده بود که اگر ایران نفت را ملی کند، از نظر

بین‌المللی چه وجهی پیدا خواهد کرد که آنها پاسخ می‌دهند که

می‌شود نفت را ملی کرد و نفت را مصدق در مجلس شانزدهم

ملی می‌کند.

◀ واکنش انگلستان در برابر مصوبه

مجلس ایران چه بود؟

انگلستان مخالفت می‌کند و بریتانیا

با آوردن کشتی‌های جنگی خود، خلیج

فارس را محاصره می‌کند و اجازه نمی‌دهد

یک شبکه نفت از کشور خارج شود. البته

مذاکراتی بین طرفین به وجود می‌آید.

مذاکرات هم بین ایران و انگلستان و آمریکا

بوده است.

◀ به نقش آمریکا اشاره کردید

آمریکای چه موضعی در ارتباط با رفتار

مصدق و مجلس مشروطه با نفت

داشته؟

این مورد را بگویم که آمریکای آن روز

جایگاه فعلی را نداشتند. آمریکایی‌ها معتقد

بودند که انگلستان دیگر خیلی در برابر

ایران کم می‌گذارند. کمیانی‌های نفتی

در همان زمان در ونزولا، عربستان و...

قراردادهایی می‌بستند که پنجاه- پنجاه

بود. بعد از جنگ جهانی دوم قراردادهای

نفتی پنجاه- پنجاه شده بود. یعنی پنجاه درصد نفت به کشوری

داده می‌شد که صاحب نفت بود و پنجاه درصد هم به کشورهایی

تعلق می‌گرفت که سرمایه‌گذاری کرده

بودند. آمریکا‌ها معتقد بودند که

انگلستان به هیچ وجه پنجاه درصد

از درآمد نفت را به ایران نمی‌پردازد و

رسیدند که تهران کم‌تر از پنجاه درصد می‌پردازد.

لذا در اصول اتفاقاً موافق با ملی شدن

نفت در ایران بودند.

◀ خوش بین هستید آقای

دکتر آ یا آمریکایی‌ها به دنبال

حضور کمیانی‌های خود در ایران

بر سر چاه‌های نفت نبودند؟

این بود که قرارداد ایران با انگلستان

عادلا نه نیست و چه این بود که قصد

داشتند انحصار انگلستان از نفت ایران

برداشته شود و کمیانی‌های آنها هم

در ایران حضور داشته باشند، در یکی

دو سال اول آمریکایی‌ها تلاش کردند که

واسطه بین ایران و انگلستان باشند و انگلستان را راضی کردند که

با قرارداد جدید پنجاه- پنجاه موافقت کند.

◀ پس چرا مرحوم مصدق با همین

قرارداد پنجاه- پنجاه مخالفت کرد؟

دکتر مصدق بر روی حق حاکمیت

ایران بر روی نفت خیلی تاکید داشت

و می‌گفت که انگلستان باید قبول کند

که نفت و ذخایر نفتی و تاسیسات نفتی

همه و همه مال ایران هست و انگلستان

پیشنهاد ایران را قبول نمی‌کرد. البته

انگلستان می‌گفت که درست است که

نفت مال ایران است اما ما بیش از نیم

قرن در ایران تاسیسات ایجاد کردیم و

این تاسیسات مال انگلستان است. البته

ایران می‌گفت که ما هزینه این تاسیسات

را به انگلستان می‌پردازیم که مشکلات

به وجود می‌آید که این غرامت ایران به

چه صورت پرداخت شود؟ مالکیت ایران

به چه صورت باشد و کلام مصدق رضایتی

به توافق نداشت. همایون کاتوزیان هم

معتقد بود که مصدق زیاد تمایل نداشت که با شرکت نفت توافق

صورت بگیرد. من هم همین اعتقاد دارم که مرحوم مصدق

تمایلی به توافق با انگلستان نداشت. آمریکایی‌ها در ابتدا راه حل

پنجاه- پنجاه را پیشنهاد دادند

اما بعد از ماه‌ها مذاکره پیشنهاد

دیگری دادند به این صورت که

بانک جهانی مدیریتی نفت در

ایران را به دست بگیرد و نفت در

ایران دوباره پالایش شود و تولید

نفت در ایران راه بیفتد بخشی

از درآمد به ایران داده می‌شود،

بخشی به انگلستان داده می‌شد

بخشی به بانک جهانی به عنوان

حق‌العمل کاری داده می‌شود و

بخشی هم در یک صندوق ذخیره

می‌شد تا یک دعوی حقوقی در

ایران و انگلستان به جایی بر د.

ایران در پی مالکیت خود بر نفت

بود و انگلستان می‌گفت چگونه

غرامت می‌پردازد؟

◀ این پیشنهاد دوم

آمریکایی‌ها را هم توسط

دکتر مصدق رد می‌شود؟

ظاهر دکتر مصدق این پیشنهاد را هم قبول نمی‌کند. از این

نقطه به بعد آمریکایی‌ها حق را به انگلستان می‌دهند.

◀ مصدق واقعا از انگلستانی‌ها متنفر بود؟

اگر بغض و کینه هم نداشت، اما او به دنبال توافق با انگلستان

نبود. اگر مصدق به دنبال توافق بود فرمول پنجاه- پنجاه فرمول

خوبی بود و بعد از یک تا دو سال ایران و انگلستان به توافق

می‌رسیدند که تهران چگونه پول تاسیسات انگلستان در تهران را

بپردازد. این مورد شدنی بود اما مصدق به گونه‌ای رفتار می‌کرد که

انگلستان تاسیسات نفت را تحویل ایران بدهند اگر ایران خواست

از آنها به عنوان کارمند استفاده می‌کند و اگر هم نخواست هیچ و

هلندی‌ها را استخدام می‌کند. مقداری مرحوم مصدق اینگونه فکر

می‌کرد البته در آن زمان دموکرات‌ها در آمریکا شکست می‌خوردند

در انگلستان هم چرچیل روی کار می‌آید. این دو دولت هر دوی

محافظه‌کار دست راستی بودند و اهل مذاکره نبودند و در اواخر سال ۳۳

از قدرت برکنار کرد چرا که هیچ توافقی صورت نخواهد گرفت.

◀ وضعیت داخلی در آن زمان چگونه بود؟

وضعیت داخلی هم در آن زمان تعریفی نداشت. مردم از

ابتدا از ملی شدن صنعت نفت حمایت کردند اما به تدریج

وقتی مردم دیدند خبری از توافق نیست یواش یواش کم

نمودند افرادی که اساساً می‌کردند که مصدق چندانی هم

به دنبال توافق نخواهد رفت. وضع اقتصادی کشور در آن

زمان چندان خوب نبود. شمار

اقتصاد بدون نفت هم که مصدق به

دنبال آن بود خوب از آب درنیامد

و وضع اقتصادی کشور مطلوب

نبود. عامل دیگری که باعث

نگرانی برخی از افسار جامعه شد

فعالیت‌های حزب توده بود. مصدق

می‌گفت که باید آزادی بیان،

مطبوعات و تشکل‌های سیاسی

باید حکمفرما باشد چه حزب توده

و چه احزاب دیگر را به رسمیت

می‌شناخت مصدق خواستار

جلوگیری از فعالیت توده‌ای‌ها به

عنوان مخالفان خود نبود. در این

میان مذهبیبون از ادامه فعالیت

مصدق هراسی نداشتند. البته شاه

از جسارت لازم برای سرنگونی

مصدق برخوردار نبود و در آخر

آمریکا و انگلستان محمد رضا پهلوی را تکان می‌دهد که علیه

مصدق کودتا کند.

شمخانی چگونه به محور دیپلماسی ایران تبدیل شد؟

بعد از سفر موفقیت‌آمیز علی شمخانی به یکن و توافق با عربستان برای از سرگیری روابط دیپلماتیک بعد از ۷ سال تیرگی روابط، شمخانی عازم یک کشور منطقه‌ای دیگر با پیشینه اختلافات شد. دبیر شورای عالی امنیت ملی روز پنجشنبه ۲۵ اسفند به امارات سفر کرد تا «همکاری» را جایگزین «خصوصیت» کند. سایت خبری نورنیوز نزدیک به شورای عالی امنیت ملی گفته علی شمخانی در سفری یک‌روزه به امارات متحده عربی با «شیخ طحون